



شیخ محمد حسن نجفی

صاحب جواهر



محمدت نوری در مستدرگ الوسائل می‌گوید:
”شیخ محمد حسن فرزند شیخ باقر نجفی صاحب کتاب
جواهر الكلام، تربیت کننده دانشمندان و استادفقیهان که ریاست
شیعه امامیه در زمان خود به او منتهی شد. کتابی در احکام و
مباحث حلال و حرام همانند کتاب جواهر در اسلام نوشته است“

ولادت صاحب جواهر

بزرگانی که خود منشا، بزرگی و عظمت برای خانواده مولستان
لو داشتند، تاریخ، نسبت به ولادت آنها کمتر جزیی نوشته است.
صاحب جواهر نیز از جمله شخصیت‌هایی است که تاریخ ولادتشان
علوم نیست، گرچه وجود او تاریخ را افتخار بخشدیده است.
در هر صورت، مرحوم حاج آقا بزرگ تهرانی (ره) ولادت‌وی
را در حدود سال ۱۲۰۰ یا ۱۲۰۴ هجری قمری می‌داند، ولی از آنجا
که ایشان در درس استاد اکبر وحدت‌بهیهانی شرکت جسته (همانکونه
که مرحوم شیخ عباس قمی در فوائد الرضویه نوشته است) و وحدت
بهیهانی در سال ۱۲۰۸ وفات کرده است و ممکن نیست کسی درس
۸ سالگی هر چقدر نوغ هم داشته باشد در محضر درس ایشان
شرکت جوید و صاحب روضات نیز در سال ۱۲۶۲ هجری، عمر
ایشان را ۷۰ سال تخمین زده است، بنا بر این احتمال می‌رود که
ولادت ایشان حدود سال ۱۱۹۲ بوده است. شیخ باقر پدر صاحب
جواهر از فضلا و دانشمندان معروف نجف بوده است.

پادشاهان بزرگ اسلام

شیخ محمد حسن نجفی فقیه‌بزرگ و شخصیت برجسته‌ای که
به نام کتابش (جواهر الكلام) شهرت یافت، صاحب بزرگترین
دانش المعارف فقه شیعی است که هیچ فقیهی خود را از آن می‌نمای
نمی‌داند.

محمدت نوری در مستدرگ بواسطه اسناد خود از بزرگان نقل
می‌کند که اگر تاریخ نویسی بخواهد حوات و رویدادهای شفعت انگیز
دوران صاحب جواهر را به رشته تحریر درآورد، مهمتر و عجیب تر و بنا
عظمت‌تر از نکارش این کتاب (جواهر الكلام) بخواهد یافت. اولی و مطالعه است فرضی

راسی کدام فلم و کدام بیان توان توصیف و ستایش این
جنین بزرگ‌دانی را دارد؟ کتاب جواهر – به گفته استاد شهید
آیت الله طهری – ”هر سطوح یک مطلب علمی است و مطالعه
یک صفحه آن، وقت و دقت زیاد می‌خواهد، می‌توان حدس زد که
تألیف این کتاب بیست هزار صفحه‌ای چقدر نیرو بوده است؟“
ولی هیچ‌وقت نمی‌توان بیهی خصوصیت نویسنده والاپیش برد.

استاد شهید در ستایش صاحب جواهر می‌افزاید: ”این
کتاب مظہر نیوگ و همت و استقامت و عشق و ایمان یک انسان به
کارخویشن است. صاحب جواهر شاگرد گاشف الغطا و شاگرد
سید جواد صاحب مفتاح الکرامه است و خود در نجف حوزه عظیمی
داشته و شاگردان زیادی تربیت کرده است. صاحب جواهر عرب
است، در زمان خود مرجعیت عامة یافت و در سال ۱۲۶۶ اکنون ایل
جلوس ناصر الدین شاه در ایران بود در گذشت

کربلا به وجود شریف العلما شیخ محمد شریف مازندرانی، مرکزت
نخستین را دارا بود، که در زندگانی شریف العلما نوشته است،
کاهی هزار شاگرد در محضر درس وی استفاده می‌کردند، و همین
بن که نکی از شاگردانش شیخ مرتضی انصاری است که تحول عظیمی
در فقه و اصول موجود آورده است،
در هر صورت، صاحب جواهر چون در نجف می‌زیسته است،

در مجموع
لذا این شهر مقدس در آن زمان بزرگترین و مهمترین مرکزیت علمی داشت و از اینکه از غارتها و وحشیگریهای وها بیان در آمان بود، از بن رو، دانش پژوهان و طلاب سهل آسا به آن دیار شناختند، خصوصاً از ایران جمعیت زیادی به این هدف، رو به نجف آوردند و از این حوزه بزرگ، استفاده تایان برداشتند.
دوران صاحب جواهر از امن ترین و آسوده ترین دورانها بود، لذا از طرفی هجرت علمی به سوی نجف زیاد شد و از طرف دیگر ادبیات نیز رونق گرفت و نشاط ادبی در کفار آن حرکت گشترده فقهی آغاز شد که از برگت آن آسایش و امنیت شعرائی مانند شاعران خاندان آل اعسم، خاندان محی الدین، سید حبیر حلی، شیخ محسن خضری، سید محمد جعفری و سید ابراهیم بحرالعلوم، بددید آمدند.

نتیجه این حرکت بزرگ علمی را نمی‌توان به پیدایش جنده کتاب بزرگ یا جند شاعر بر جسته محدود و محصور کرد بلکه بدید آمدن شخصیتهای بزرگ علمی و نوشتمن کتابی چون "جواهر" که به راستی از هر نظر جواهر است و پراج، را در اثر همان حرکت و نمو این علمی می‌توان دانست.

از تمام آن شخصیتها، برجسته‌تر و عظیم‌تر، صاحب جواهر است که بوستان‌گاهی در مجلس درست بیش از ۶ مجتهد سا فضیلت شرکت می‌کردند.

شیخ محمد حسن نجفی نزد بزرگانی از قبیل کاشف الغطاو
فرورندش شیخ موسی و سید جواد عاملی صاحب مفتاح الکرامه موسید
مهدی بحرالعلوم کتب فیض و دانش گرد ولی خود استاد تربیت
کننده بیش از پنجاه مجتهد است که هر یک دارای شخصیتی
بنی نظیر و ارزنده می باشدند .

بزرگانی که از حضور درس ایشان بیشترین بهره را برداشته بودند،
بمثیه‌ها و کشورهای مختلفی هجرت کرده و به خدمت مشغول
بودند. داستان شیخ محمد حسن آل یاسین که از شاگردان ممتاز
صاحب جواهر است و در بغداد می‌زیسته، معروف است: نوشتہ‌های
یکی از شروتندان بغداد ۳۰ هزار بیتلک (سکمای که در آن زمان
را پچ بود) به عنوان حقوق شرعی خدمت صاحب جواهر آورد.
شیخ ناراحت و متأثر شد و به او گفت: مگر شیخ محمد حسن آل
یاسین بین شما نبود که این را برای ما آوردي؟ به آنجا برگردد و
بولهای را به او بسیار . چند روز بعد از آن قضیه، بغدادیها برای
رمیارت و دیدار با صاحب جواهر - بمناسبت عید غدیر - بهنجف

برادر صاحب جواهر، مرحوم شیخ محمد حسین از نوابع علمی روزگار است که در سن جوانی، در راه مسجد سپله، کشته شد. نوشتهداند که مادرش خیلی نگران و نازاحت بود که پسر بزرگترش کشته شده ولی پسر کوچکش (صاحب جواهر) که چندان نیوگی در آن زمان از او دیده نشده بود، زنده مانده است یعنی امید داشت فرزند بزرگتر بماند و این کوچکتر بجایش وفات کند! و از آنجا که خدا می‌خواست، شخصیت ارزشمند صاحب جواهر را به او بشناساند، او را عمری دراز عطا فرمود تا خود بجهشانش بییند که این فرزند نه تنها افتخار خانواده‌اش بلکه افتخار اسلام و مسلمین است. آری! این فرزندی که به چشم مادر چندان جلوه ای نداشت، در زمانی کوتاه، رهبری و زمامت شیعه را بدست گرفت و شهرتش جهان را پیر کرد.

نسبت شیخ محمد حسن نجفی از طرف مادر بزرگش به
دانشمند والامقام شیخ ابوالحسن فتوحی می‌رسد
ولی مادرش از سادات عذارات (که از روستاهای حلقات است) می‌باشد
ولذا صاحب جواهر سالهای اول جوانیش را در آن منطقه - سرود
دانیها یش - می‌گذراند و کتاب جواهر را به این انگیزه نگاشت که
یادداشت‌های فقهیش را در آنجا نگهدارد، چرا که در "عذارات"
جندان کتاب زیادی یافته نمی‌شد. و چون شیخ بعروستاه‌ها ودهات
اطراف برای تبلیغ و ترویج می‌رفت، نیاز به کتابی داشت که مسائل
فقهی مردم را در آنجا مرقوم کند و خود و دیگران از آن استفاده
کنند. و این یادداشت‌ها آنچنان مورد استفاده دانشمندان فرار
گرفت که در آینده نیز از آن بی نیاز نخواهند بود.

آثار علمی و عملی

نهضت علمی در فقه و اصول توسط استاد اکبر و حمید بهبهانی در کربلا شروع شد. زیرا در قرن بارزدهم و نیمه اول قرن دوازدهم همواره کربلا در معرض غارتها و بورشای وحشیانه وهابیان - از عربستان سعودی - بود و از طرفی دیگر فشارها و ستمهای حکومت عثمانی بر آن شهر مقدس، فقه و اصول را از حرکت باز داشته بود نا اینکه وحید بهبهانی به کربلا آمد و آنجا را مرکز علم و دانش قرار داد. پس از وفات وحید بهبهانی حوزه نجف اشرف بهشت و کوشش دو شاگرد برآزندۀ استاد اکبر: سید مهدی بحرالعلوم و شیخ جعفر کائف الغطاءونق نازهای یافت. گرچه تا آن زمان نیز

بپردازم ، باز هم درین نخواهم ورزید .

و از آثار شیخ نیز ساختن صحن و حرم حضرت مسلم و بنای
مناره مسجد کوفه و ساختن ایوان نزدیک مسجد سهل است که چون
برای این مسجد اهمیت زیادی قائل بود و همواره شبهای چهارشنبه
به آنجا می رفت و در آنجا بیتونه می کرد و هر بار برخی از شاگردان
را با خود می برد ، برای رفاه حال آنها و دیگر زائرین مسجد ، این
ساختن را بنا نهاد .

كتاب جواهر الكلام

همانگونه که گفته شد ، این کتاب دائرة المعارفی است بزرگ
در فقه اهل بیت که در تمام ابواب فقه از طهارت تا دیبات بحث
کرده است و هر سطر آن – برای مبتدی – نیاز به استاد و معلم
دارد تا آن را فرا بگیرد .

این کتاب نفیس پنج بار در ۶ جلد بزرگ با جاپ سنگی در
ایران چاپ شده و اخیراً چند بار در ایران و لبنان با جاپ حروفی
در ۴۳ جلد – هر جلدی بیش از ۵۰۰ صفحه – و در تعداد چندین
هزار نسخه به چاپ رسیده است .

این کتاب ویژگیهای زیادی دارد از جمله :

۱ - آقوال و نظریات بزرگان فقه و استاداللای علمی آنها را
جمع کرده است .

۲ - مجهودین و فضلاً را از بسیاری کتابهای فقهی بی نیاز و
مستقیم می کند .

۳ - مسائل فرعی و جزئی زیادی در آن دیده می شود که کمتر
در دیگر کتابها - از آنها یاد می شود .

این کتاب مآل همه عظمت ، هنگامی که بوسیله اش انگریه
تالیف را به یکی از شاگردانش شیخ محمد حسن آل یاسین
می کوید ، چندین می فرماید :

"فرزندم ! بخدا قسم ، من این کتاب را نتوشم که مردم
نه آن رجوع کنند ، من این را برای خودم نوشته بودم که
هر وقت به "عذارات" می خواستم بروم ، چون بولند شدم
که کتاب بخرم ، سوالها را در این کتاب یادداشت می کردم
که هنگام نیاز به آن رجوع کنم ."

صاحب تکله ، پس از نقل این خبر می گوید : همان حسن
نیت و خلوص ویارسانی شیخ بود که موفق به تالیف چند کتاب
ارزشمندی شد .

سرانجام ، پس از آن همه خدمت علمی و عطی به اسلام و
مسلمین ، شیخ محمد حسن تجفی (صاحب جواهر) در روز جهار شنبه
اول ماه شعبان هزار و دویست و شصت و شش جهان فانی را وداع
گفت ، به لفاظ خدای خود شناخت .

آمدند ولی صاحب جواهر آنها را به منزل خود راه نداد و بالآخر
ملاقات نکرد تا اینکه عصر روز ۱۸ ذی حجه (عبد غدیر) بود که
به صحن حضرت امیر المؤمنین مشرف شد و در آنجا برای بقدادیها
سخراشی کرد و علت راه ندادن آنها را بیان کرد که در اثر کوتاهی
در حق شیخ محمد حسن آل یاسین بوده است و این دلیل است بر
بزرگی روح و عظمت صاحب جواهر . آری ! اینچنانند بزرگان
روزگار که شاگردان خود را - برای تحلیل از مقام علم - بر خود
مقدم می دارند و از آنان تقدير و ستایش می کنند .

برخی از شاگردان صاحب جواهر را که شهرت علمی ورباست
دینی داشتند نام می بویم :

- ۱ - شیخ محمد حسن آل یاسین ۲ - میرزا حبیب الله رشتی
- ۳ - شیخ جعفر شوستری ۴ - سید حسن مدرس اصفهانی
- ۵ - شیخ جعفر اعسم ۶ - شیخ عبدالحسین تهرانی
- ۷ - شیخ راضی تجفی ۸ - سید حسین بحر العلوم
- ۹ - ملا محمد فاضل ایروانی ۱۰ - شیخ عبدالرحیم شهابوندی
- ۱۱ - شیخ عبدالله نعمه عاملی ۱۲ - سید محمد هنندی
یکی از خصوصیت‌های صاحب جواهر ، دقت و دور اندیشه او
بود . او در سیما (شیخ انصاری) نموغ و نقاو و پارسانی می دید
و اورا لایق و شایسته مقام بزرگ رهبری می داشت ، گرچه تا آن
روز "ملامتنی" نام داشت و گرچه کمتر به درس صاحب جواهر
می آمد و اگر سری به مجلس درس استاد می زد ، بیشتر برای تین
و نیزک بود تا برای درس خواندن .

در هر حال ، صاحب جواهر او را - با اینکه ناشایخته‌گشایم
بود و کمتر به درس وی می رفت - سزاوار این مقام والا دید ، لذا
در آخرین روزهای حیات ، و در حالی که شاگردان برجسته‌اش
منتظر بودند که امر زعامت مسلمین را به کسی واکذار کند ، " ملا
مرتضی " را دعوت کرد ، و در برابر چشان حضرت زده فضلا و
فقهای زمان ، او را به عنوان مرجع اعلای مسلمین معرفی کرد و
زعامت را به او سپرد ، پس از آن " ملا مرتضی " شد " شیخ مرتضی
انصاری " . البته شیخ مرتضی را پس از آنکه شاگرد شد ، نه تنها
علمای آن زمان بلکه برای همیشه ، فقها و فضلا در برای آن دویای
بیکران علم و فضیلت سر تعظیم فرود می آورند و تا فرائد الاصول
و مکاسب شیخ انصاری درین مردم هست ، از محضر درس آن
بزرگمرد تاریخ استفاده می کنند و کسب فیض می نهایند .

صاحب جواهر نه تنها به درس و بحث علمی اشغال داشت
بلکه به تمام امور رهبری اقدام می کرد . خدمات عمرانی زیادی
برای تامین آسایش و راحتی مردم ، در طول زندگی خود انجام
داد که از جمله : اقدام به حفر کانالی بزرگ بود از نهر قرات تا
نحو برای تامین آب آشامیدنی مردم ، و هنگامی که به اوضاع
کردند که این کار ، بودجه زیادی در بر دارد ، پاسخ داد : اگر به
اندازه‌گیرکاری که از این نهر بیرون می آید و به وزن آنها طلا